

# مراسم جشن سده در ایران باستان

دکتر فریده معتکف

واژه‌ی سده از واژه پهلوی سدک مایه گرفته و نشأت یافته از واژه‌های سدق و سدق که در متون عربی بر جای مانده می‌رساند که این نام روزگاری سدک بوده یعنی منسوب به عدد سد، پس معنی جشن را نیز بایستی به یاری عدد سد دریابیم. با نگاهی به نوشته‌های پهلوی درباره‌ی تقویم ایران کهن می‌توان دریافت که ایرانیان سال را به دو قسمت نامساوی تقسیم می‌کردند فصل گرما و سرما، یا فصل تابستان بزرگ و زمستان بزرگ. فصل تابستان بزرگ یک فصل هفت ماهه بود که از فروردین آغاز می‌شد و تا مهر ادامه داشت. فصل بزرگ سرما از یکم آبان ماه آغاز تا پایان اسفند ماه ادامه داشت روز دهم بهمن ماه یعنی آبان روز میان زمستان است و غالباً سرما در آن هنگام به شدت خود می‌رسد و دیگر به همین سبب شب گزنه هم می‌گویند در این روز درست سد روز از زمستان بزرگ می‌گذرد و این روز را از این رو سده نامیده‌اند.

به عقیده ایرانیان قدیم در این روز اهریمن بدکیش سرما را به شدت خود می‌رساند تا به دامان و آفریدگان او رمز گزند رساند و آنها را بمیراند (مظهر ما در اسطوره‌ی هوشنگ) و نیروی اورمزدی در برابر این گزند آتش را می‌آفریند تا نیروی اهریمن را شکست دهد و دامان آفریدگان را بپاید این جشن سده و آتش‌افروزی با مراسمی باشکوه و همگانی انجام می‌پذیرد تا نیروی اهریمنی کاهش یابد. اندک اندک از سرما بکاهد این جشن در حقیقت نوعی مراسم مذهبی است برای راندن سرما و چون می‌بایستی قدرت بیشتری داشته باشد بایستی به صورت گروهی و یاری و همکاری همه مردمان انجام پذیرد زیرا در کارهای بزرگ برای از میان بردن حمله اهریمن، همیای همه مردمان لازم است تا نیروی متحدی در برابر حمله اهریمن و شکستن او پدید آید و از این روست که این آتش فقط در خانه‌ها افروخته نمی‌شد بلکه به گروه مردم بود و در هر شهر و دیاری جای معینی داشت که آن را کاخ سده می‌نامیدند و به روزگار ساسانیان همه در این کاخ سده گرد می‌آمدند و آتش نیایش می‌خواندند و در گرد آتش به شادی می‌پرداختند تا بر اثر گرمای بزرگی که از کوه‌های آتش فراهم آمده بود سرما سپری گردد.

تا چندی پیش در برخی از روستاها و شهرها که رسم آتش‌افروزی سده را پاسداری می‌کردند مردم بر آن بودند که همه از بزرگ و کوچک توانگر و ناتوان بایستی در برافروختن آتش سده همیاری کنند و حتی آنان هم که خدمتگزار و اسب و استر داشتند گردآوردن همه‌ی آتش سده را خود بر عهده می‌گرفتند و به دشت و بیابان می‌رفتند و خود خار و هیزم فراهم می‌کردند و بر دوش می‌گرفتند و به کوه خارهای فراهم آمده می‌افزودند و این کار را ثواب می‌دانستند.

روایت دیگر درباره جشن سده آن است که از این روز تا روز گردآوری غله، سد روز باقی است و چون معمولاً در نواحی معتدل در روزهای نزدیک به پنجاه هم نوروز می‌توان گندم و به ویژه جو را به دست آورد از این رو برخی بر آن بودند که این جشن سده برای صدمین روز باقی مانده برای به دست آوردن غله گرفته می‌شود و در برخی از روستاها نیز در این جشن همهمه‌ی شادی کودکان با این جمله پنجه به نوروز صد به غله همراه است.

از جشن‌های مهم بزرگی که برای سده می‌گرفتند و در تاریخ ضبط است یکی جشنی است که هرداویج آل‌زیاری در اصفهان برپا کرد. می‌دانیم که مرداویج می‌خواست تمام سنت‌های ایرانی پیش از حمله‌ی عرب را دوباره زنده کند.

وی فرمان داده بود تا این جشن را با شکوهی تمام برپا سازند و بر دو جانب زاینده رود و پشته‌های اطراف آن توده‌های بزرگی از خار و هیزم گرد آورده بودند، نفت‌اندازان و رامشگران فراهم آورده بودند و شهر و گنبدها و مناره‌ها را با شمع و مشعل آراسته و تنه‌های توخالی نخل‌ها را با خار و خاشاک انباشته بودند و گردهای توخالی را با نفت و قیر انباشته و آنها را به پای پرندگان بسته و آتش زده بودند. خوان بزرگی آراسته و هزاران گاو گوسفند بریان بر آنها نهاده بودند. مرداویج که می‌خواست جشن شکوه بیشتری داشته باشد خوش نیامد و این همه آراستگی و آتش را برای چنین جشن خرد و کوچک دید دیگر جشنی از جشن‌های تاریخی سده جشنی است که شرح آن در تاریخ بیهقی آمده است و در آن جشن کوه‌ای چنان بزرگ از آتش برافروخته بودند که فروغ آن از ده فرسنگی دورتر دیده می‌شد. این جشن هنوز هم مانند نوروز برگزار می‌شود در گوشه و کنار ایران زمین به ویژه، زردشتیان عزیز کشورمان آن را با شکوهی بسیار عظیم در کرمان و یزد و تهران برپا می‌دارند و هنوز هم در بسیاری از روستاها رسم جشن سده هنوز برجاست امید اینکه ایرانیان عزیز همیشه او را گرامی بدارند که یادگار نیاکان ماست.

□ □ □

**۲۲ بهمن انقلاب اسلامی ایران، روز ملی ایرانیان است. باید در نسله‌ها، ثبت و ضبط شود و مورد توجه آیندگان قرار گیرد.**